

زمان باز یافته

تجسمی تاریخی از آثار و ابنیه فرهنگی

نوشته جورج میشل

ارعاب می‌باشد. در اینجا معماری در حقیقت در خدمت اهدافی دنیوی است. این موضوع در باره بسیاری از کاخ‌های معروفی که در فهرست میراث جهانی قرار گرفته‌اند صدق می‌کند. از قصرهای امپراتورهای «مینگ» در چین و تیموریان در فاتح پورسیبکری هند گرفته تا کاخ‌های شاهان فرانسوی در شامبور، فونتن بلو و ورسای و یا منازل بزرگ لردهای انگلیسی در بلنهایم. مراکز تشریفاتی پرسولیس (تخت جمشید) در جمهوری اسلامی ایران و توتنی هوآکان در مکزیک، هامبی در هندوستان و یا دیوار بزرگ چین و یا استحکامات ادوارد اول در گویند و یلز نیز از نظر بیان قدرت کمتر از آنها نیستند.

ملل حاکم تقریباً در همه ادوار تاریخ جهان برآن بوده‌اند که معماری را بر پایه قدرت توسعه دهند. ساختار اداری نظامی، قضایی و تشریفاتی آنها یادآور جاه‌طلبی‌های گذشته است. گاهی در دوره‌یی از روشنگری و گاهی در دوره‌یی از ظلم و جور ولی تقریباً همیشه در دوره‌هایی از شکوه و عظمت مورد نظر. مثلاً ساختمان‌هایی که مراکز شهرهایی تاریخی مانند شهر استانبول در ترکیه، حلب در جمهوری عربی سوریه و فاس در مراکش را تشکیل می‌دهند گواهانی بر حمایت مستمر دولت از معماری شهرسازی در طی قرون و اعصارند. این امر در باره شهرهایی اروپایی چون تولدو، فلورانس، بوداپست یا کراکو و هم چنین و نیز که بلم‌های باشکوهش بصورتی معجزه‌آسا شهر را از تهدید و سایط نقلیه موتوری مصون ساخته، نیز صدق می‌کند.

بعضی از حکمرانان اصلیتی خارجی داشتند و معماری تحت حمایت آنان به صورتی بین‌المللی بسا

در حالیکه ممکن است مکان‌های فرهنگی مندرج در فهرست میراث جهانی مستند شده، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی شوند و به احتمال قوی در مسیر بازسازی مفیدی قرار گیرند. هرگز نباید از سرنوشت انسان تفکیک کردند. این مکان‌ها آثار بجای ماندنی رنجهای انسان و مصنوعات مادی تاریخ جهان هستند. در اینجا اعمال انسان به معرض نمایش گذارده می‌شود، اعمال شرافتمندانه و معنوی، اعمال قهرمانانه و غم‌انگیز. مکانهای فرهنگی آینده تمام نمای گذشته در عصر حاضر است. کنوانسیون میراث جهانی تلاشی معتبر برای شناختن ویژگیهای این میراث و ضمانت بقای آنها برای آینده است.

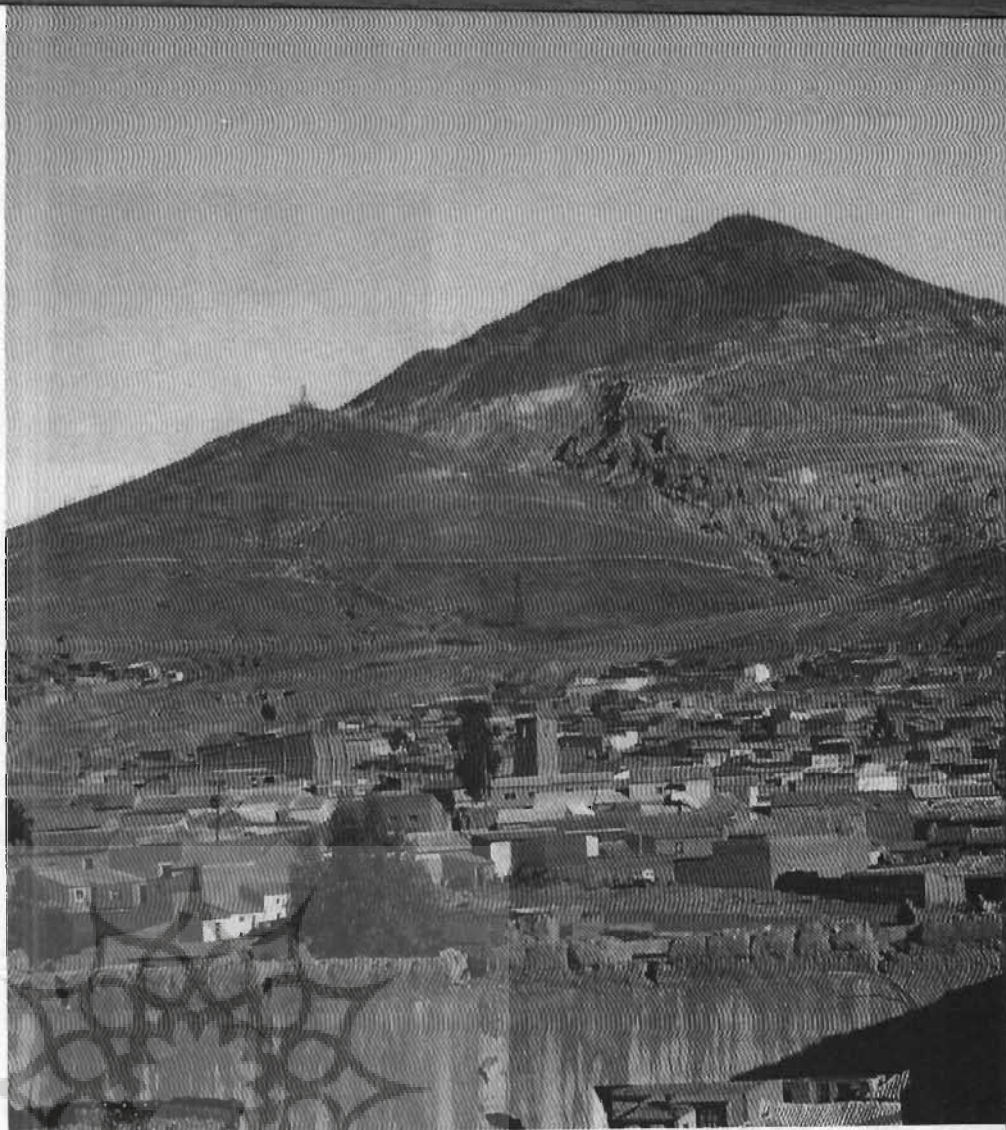
بسیاری از بناهای باستانی و شهرهای قدیمی، چه مخروبه و چه قابل استفاده، بطور غیر قابل وصفی به کار افراد صاحب قدرت وابستگی دارد. فقط امپراتورها، شاهزادگان، فرماندهان نظامی و ژنرال‌ها، پاپ‌ها و اسقفها می‌توانستند امر به گردآوری منابع اقتصادی و هنری مورد لزوم برای برپا ساختن بناهایی بزرگ بدهند و یا برای تخصیص فضاهای وسیع عمومی و مجتمع‌های ساختمانی لازمه مرکز شهر طراحی کنند. با وجود اینکه بسیاری از ابنیه فرهنگی مندرج در فهرست میراث جهانی به جهت ویژگی معماری زیبا و یا ساختار شهری خود معروفیت پیدا کرده‌اند، بعد تاریخی آنها هرگز نباید فراموش شود. افراد خاندان‌های سلطنتی که عمارات مسکونی باشکوهی برای خود بنا کرده‌اند، گاهی از قدرت تخیلی قوی برخوردار بودند. معماری به جای مانده از آنها غالباً الهام‌بخش و احساس برانگیز است و گاهی هدف آن

▶ پوتوسی (بولیوی)

سرنوشت پوتوسی، دهکده کوچکی در ارتفاع ۴۰۰۰ متری در کوههای آند، هنگامی دگرگون شد که رگه‌های نقره آن که غنی‌ترین رگه‌های نقره دنیای



جدید بود، در دهه ۱۵۴۰ به شدت مورد بهره‌برداری قرار گرفت. جمعیت شهر جدید در قرن ۱۷ متشکل از ۱۶۰,۰۰۰ مهاجر و ۱۴۵۰۰ سرخپوست بود که تحت سیستم کار اجباری میتا در معدنها کار می‌کردند. فعالیت معدنکاری، که پس از استقلال بولیوی در ۱۸۲۵ صرفاً سرعت آن کاهش یافت، در شهر و اطراف آن آثاری دیدنی از خود به جا گذاشته است. از جمله این آثار، سدهایی است که عرضه آب به آسیاهای کانه‌شکنی را کنترل می‌کرد و مجتمع معدن سلطنتی که بین حدود ۵۰۰۰ معدنی که فلات مرتفع و دره‌های آن را سوراخ کرده از همه بزرگتر و بهتر حفاظت شده بود. در این شهر مستعمراتی یادمانهایی به سبک باروک آمیخته با تأثیراتی از فرهنگ سرخپوستی آند مرکزی وجود دارد. این یادمانها شامل اینهاست: بیش از ۲۰ کلیسا، خانه‌های اشراف خونی اقبال که تجمل آنها با سادگی آشکار رانگریهای ناحیه برمی‌نشین در تضاد بود، و ضرابخانه سلطنتی که مهر آن هزاران تین نقره‌ای را مهر زد که پوتوسی را در قرن هفدهم و هجدهم محور اقتصاد اروپا ساخت. در ده سال گذشته یونسکو و برنامه عمران سازمان ملل (UNDP) برای حفظ پوتوسی به مقامات بولیویایی کمک کرده‌اند. فهرستی از یادمانهای تاریخی تهیه و مطالعات تاریخی انجام شده است. در چند سال آینده کار به عنوان بخشی از پروژه یونسکو/UNDP ادامه خواهد یافت. پوتوسی در ۱۹۸۷ وارد فهرست میراث جهانی شد.

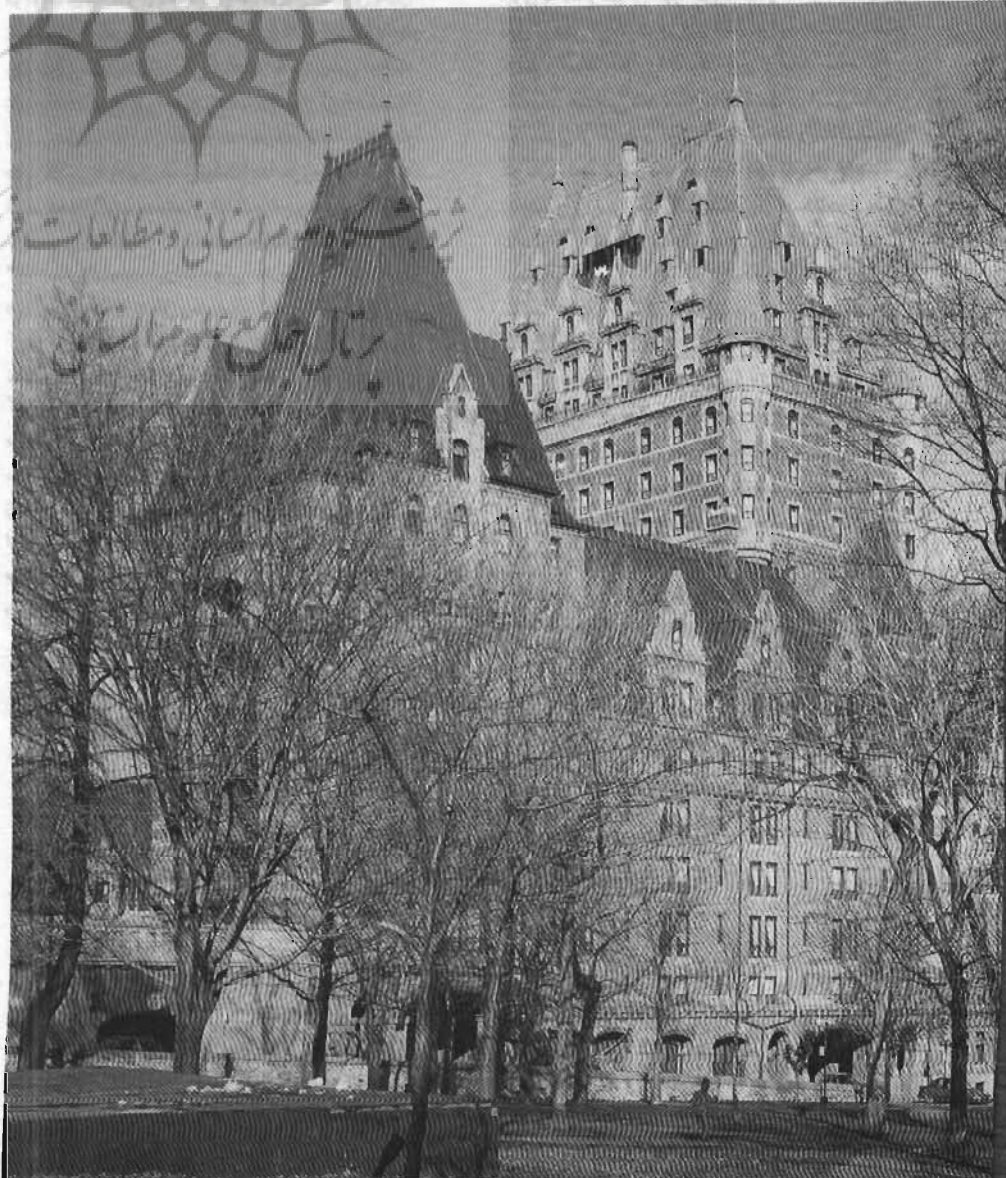


▶ کبک تاریخی (کانادا)

در سال ۱۶۰۸ ساموئل دوشامبلن پایتخت فرانسه جدید را در دشتی مشرف بر رودخانه سنت لاورنس بنا کرد. این دماغه بعدها کبک دیاموند



(دماغه الماسی) نامیده شد. در ۱۷۵۹، شهر، که برای تجارت ماورای آتلانتیک اهمیت استراتژیک داشت، تحت سلطه بریتانیا درآمد؛ سلطه‌ای که به زودی سرتاسر کانادا را فراگرفت. جمعیت کبک به دلیل وجود بندر فعال آن به سرعت زیاد شد و دو شهر با منظورهای کاری متفاوت به وجود آمد: «شهر سفلا» و قدیمیتر که ناحیه داد و ستد و کشتیهای تجاری است. این شهر خانه‌هایی از قرن هفدهم و هجدهم دارد و کلیسای نتردام و یکتوار در آن قرار دارد. «شهر علیا» مرکز زندگی اداری و مذهبی شد. بخشهایی از ساختمانهای اولیه صومعه‌های اورسولین‌ها، ژوزویت‌ها و ریکولت‌ها که در قرن هفدهم در آنجا ساخته شد باقی مانده است. بنابراین، کبک نمونه‌ای استثنایی از یک شهر مستعمره‌نشین بر قدرت آمریکای شمالی و نقطه تحول مهمی در دوره‌ای حساس از تاریخ این قاره است. کبک تاریخی در سال ۱۹۸۵ وارد فهرست میراث جهانی شد. مقامات کبک عهده‌دار حفاظت و ارائه همه عناصری هستند که کبک قدیمی را نماینده عنوان میراث جهانی قابل حفاظت می‌سازد. اما از آنجا که ناحیه تاریخی بخشی از مرکز شهر را تشکیل می‌دهد، در معرض تغییرات خاص مرکز شهر قرار دارد که البته نباید گذاشت که به اصالت شهر صدمه بزند. شاتو فرانسنسی، تصویر راست، مشرف بر شهر است.





همپی (هندوستان)

شهر ویجی نگر که در آغاز قرن چهاردهم در نزدیکی دهکده کنونی همپی در فلات دکن ساخته شد، بایتخت یک امپراطوری بزرگ هندو



بود که بر هند جنوبی مسلط بود و پیش از دو قرن از ورود سپاهیان مسلمان به شمال جلوگیری کرد. حکمرانان در دور شهر، که دفاع طبیعی آن تقریباً دست نیافتنی اش می ساخت، با ۷ حصار دارای استحکامات حلقه‌ای درست کردند که کشتزارها را نیز در برمی گرفت. پادشاه و خدوم و حشم بی شمار او در مجتمعی از ساختمانها واقع در قلب شهر زندگی می کردند. قدرت فزاینده امپراطوری ویجی نگر توجه حکمرانان مسلمان را، که در ۱۵۶۵ شهر را غارت کردند، به شمال جلب کرد. همپی که در ۱۹۸۶ وارد فهرست میراث جهانی شد، به خاطر بزرگی شهر و تعداد یادمانها (۵۰۰) مشکلاتی در زمینه حفاظت دارد. اکنون در بعضی خیابانهای شهر کهن، نیشکر و برنج می رویند. یکبار چگی بخشهای دیگر این محل را توسعه ساختمان سازی تهدید می کند. همپی مرکز زیارتی مشهوری است و باید به منظور حفظ آن، برای دیدار کنندگان تسهیلاتی ایجاد شود. گوپورا، دروازه ورودی به معبد کوا آمباباتی در تصویر به چشم می خورد.

صفحه‌های میانی



شهر قدیمی صنعا (جمهوری عربی یمن)

صنعا (صفحه ۲۰)، در دشتی میان حلقه‌ای از کوهها، در قرن پنجم ق م قلعه مستحکم سلاطین سبا در یمن و محل تقاطع مهمی برای راههای



کاروانرو بود. در قرن چهارم پس از میلاد، دیوارهای آجری به دفاع طبیعی شهر افزوده شد و تشکیلات شهری قابل توجهی ایجاد شد. در قرن ششم ایرانیها صنعا را فتح کردند و صنعا اسلام را پذیرفت و بر از خانه، مسجد، باغ و حمامهای عمومی شد. تمام ساختمانها در این شاهکار شهرسازی از خشت و گل یا آجر ساخته و با نقشهای گچ کاری شده تزیین شده‌اند. حفظ شهر تاریخی با مسائل پیچیده‌ای روبروست که ناشی از مشکلات تطبیق ساختارهای قدیمی و نقدان بعضی اصلاحات عمومی است. آب ناکافی است و نشت از آبگذرهای خراب، همراه با کیفیت ضعیف سیستم فاضلاب موجب خراب شدن بی ساختمانها شده است. غیاری که از رفت و آمد زیاد وسایل نقلیه در جاده‌های خراب بلند می‌شود نیز موجب خرابی است. در ۱۹۸۴، یونسکو به منظور یاری دادن به یمنی‌ها برای حفظ شهر باستانی صنعا یک گروه بین‌المللی را روانه کرد که هدفهایش شامل اصلاحات بنیادی بهداشتی، محکم‌سازی پی خانه‌ها، بازسازی خیابانها، بازسازی یادمانهای تاریخی و تعمیر سوقها (بازارها) است. همچنین برای گسترش تور بسم در صنعا، که در ۱۹۸۶ وارد فهرست میراث جهانی شد، کوششهایی می‌شود.

تالامانکا رانچ لا آمیستاد (کستاریکا)

این زیستکره حفاظت شده ۵۰۰،۰۰۰ هکتاری (صفحه ۲۱) بهشت حیات وحش آمریکای مرکزی است. به دلیل تفاوت‌های اقلیمی، خاک و نوع ارتفاع



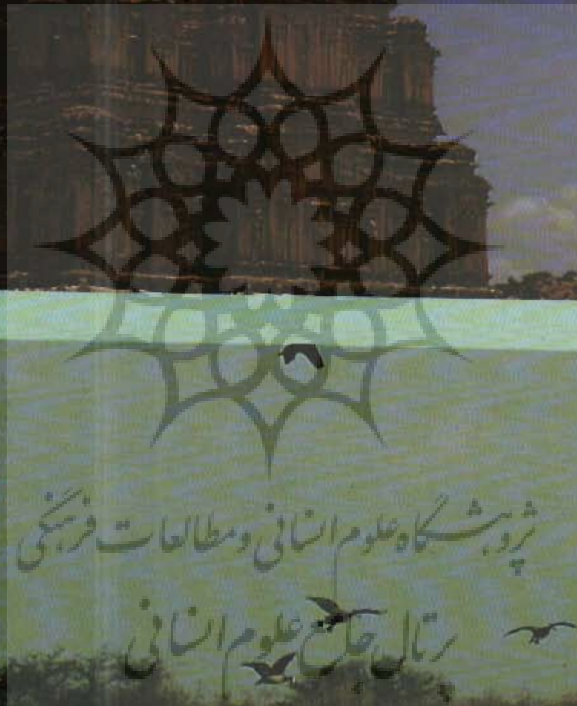
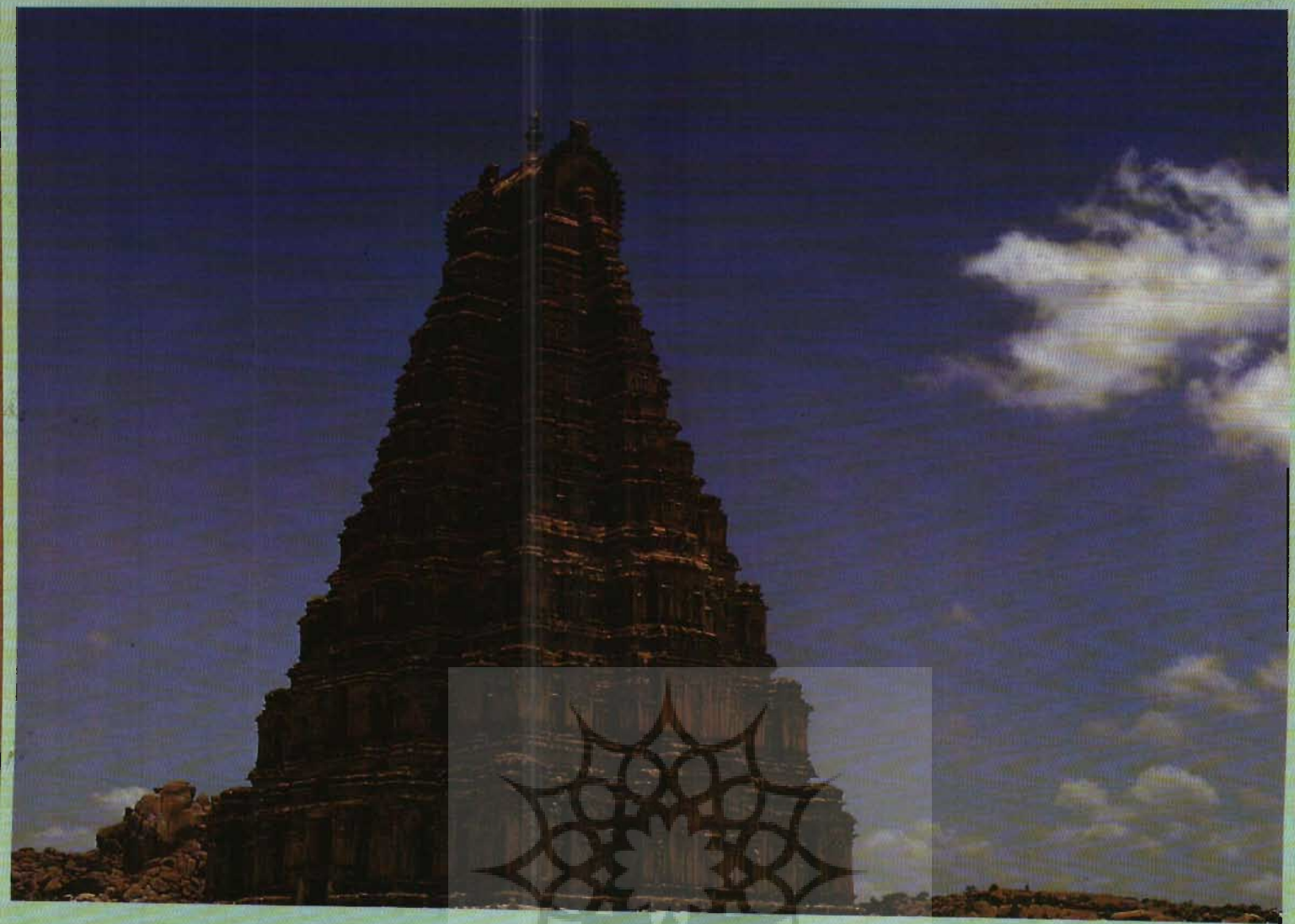
(از نزدیک به سطح دریا تا ۲۸۱۹ متر بالاتر از دریا) و موقعیت آن به عنوان یک «بسل خشکی» ارتباطی بین ناحیه‌هایی از آمریکای شمالی و جنوبی که از لحاظ زیست جغرافیایی متفاوتند، زندگی گیاهی و جانوری این محل به نحوی استثنایی غنی و متنوع است. بیش از ۸ منطقه زیستی متمایز در این ناحیه مشخص شده است. فهرست منابع طبیعی آن هنوز کامل نیست، اما پرسیها نشان داده است که ۱۳ گونه پستاندار، ۱۵ گونه پرنده و ۱۰ گونه خزنده و دوزیست فقط در محدوده حفاظت شده، که در سال ۱۹۸۳ وارد فهرست میراث جهانی شد، پیدا شده‌اند. چون دسترسی به محل مشکل و شیبهای تند و کوهها برای کشاورزی نامناسب است سکونتگاههای انسانی در آنجا نسبتاً اندک بوده است. با این حال، مدارک باستان شناختی گواه حضور تمدنهای غیر مهاجری به قدمت ۵۰۰ پیش از میلاد در این محل است. امروزه، حدود ۱۰،۰۰۰ سرخپوست، و بیشتر آنها به روشی سنتی، در این ناحیه زندگی می‌کنند. به این ترتیب زیستکره حفاظت شده تالامانکا رانچ - لا آمیستاد هم میراث فرهنگی آمریکای مرکزی را حفظ می‌کند و هم دانش پر ارزشی درباره منابع طبیعی منطقه در اختیار ما می‌گذارد.

منظره‌ای از بناگاه ملی برندگان جوج، سنگال (مقاله صفحه ۵ را ببینید).

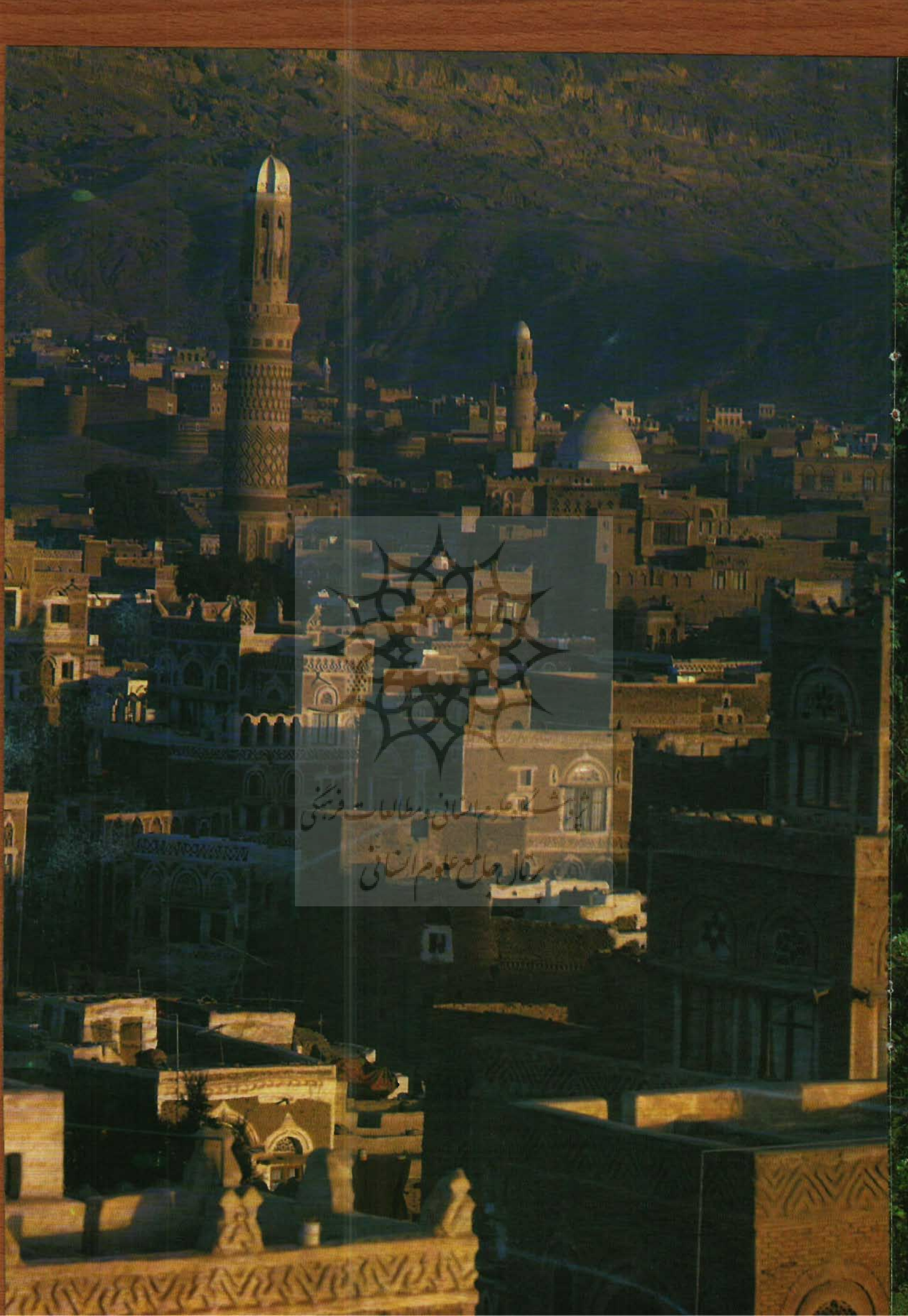




پښتونستان د علوم او انساني مطالعاتو فریښکي
پرتال جامع علوم انساني



پښتونستان ښوونځي او پوهنتونونو د علومو او ادبياتو په برخه کې
د پښتو ژبې د ښوونې او پوهنې د کورنۍ د ښوونکو د ټولګو د لاسوهنې د
د پښتو ژبې د ښوونې او پوهنې د کورنۍ د ښوونکو د ټولګو د لاسوهنې د



شکوه عالم انسانی و مطالعات فرہنگی
بیتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی



پارک ملی اولورو

(صخره آیرز، کوه اولگا) - استرالیا



دوازند زمین‌شناختی استثنایی مشرف بر این دشت بهناور شنی است که در ۳۰۰ کیلومتری جنوب غربی ایس اسپرینگز در استرالیا مرکزی قرار دارد. صخره آیرز یک مونولیت مسه سنگی سرخ گرد و عظیم است که محیط آن ۹/۴ کیلومتر و شبیهی ملایم آن ۳۴۰ متر بلندتر از سطح دشت است. غارهای دور تا دور قاعده صخره برای بومیان استرالیایی مکانی مقدس است و با نقاشیهای سنگی بی‌تزیین شده است که بعضی از آنها قدمت ۱۰،۰۰۰ ساله دارند. ۳۶ گنبد صخره‌ای تند شیب کوههای اولگا ۳۵۰۰ هکتار را در برمی‌گیرد و ۵۴۶ متر بالاتر از دشت است. پارک ملی اولورو زیستگاه گونه‌های گیاهی و جانوری کمیاب یا در خطر انقراض است. علاوه بر علف درشت اسپینیفکس، بیش از ۲۰ گونه پستاندار بومی هم در این دشت وجود دارند. از جمله چند کیسه‌دار که از رقابت با پستانداران غیر بومی وارد شده به این دشت مانند روباه سرخ، گرچه، موش خانگی، خرگوش اروپایی، سگ وحشی و شتر، رنج می‌برند. شاید ۸۰ گروه بومی در این پارک زندگی می‌کنند که از شکار، برداشت و آتش‌زنی کنترل شده امرار معاش می‌کنند. برنامه مدیریت این پارک، علاوه بر حفظ میراث طبیعی و فرهنگی، حفاظت از فرهنگ بومیان از طریق تطبیق دادن نیازهای روش سنتی زندگی آنها با شرایط ناسمی از محبوبیت روزافزون محل به عنوان یک مکان توریستی است. پارک ملی اولورو در ۱۹۸۷ وارد فهرست میراث جهانی شد.



دلفی (یونان)



در امفی تاتری سنگی و تماشایی در شبیهای جنوب غربی کوه پارسوس، به فاصله کمتر از ده کیلومتر از خلیج کورینت، خرابه‌های معبد و محل غیبگویی ابولو، برآوزه‌ترین جایگاه مقدس مذهبی یونان باستان، قرار دارد. در دلفی، ابولو پرستش می‌شد و کاهنه‌ای به نام پیثیا اندرز او را بر زبان می‌آورد. گستردگی خرابه‌ها نشان‌دهنده اهمیت مذهبی و سیاسی دلفی است که در اوج قدرتش در قرن ششم ق م مسیح گائون مذهبی جهان یونانی بود. تأثیر غیبگویی ساکن معبد دلفی تا ظهور مسیحیت ادامه یافت. راه مقدس که با گنجینه‌هایی - معبد‌های کوچکی که از طرف شهرهای نامی آن زمان ساخته شده بود تا پیشکش‌های خود را در آنها جای دهند - آراسته شده است، به معبد ابولو (قرن چهارم ق م) ختم می‌شود. در بالای معبد یک تاتس، یک استادیسوم و، نزدیک چشمه کاستالیا، ورزشگاهی هست که همه برای بازیهای پیشاپی بان هلنی ساخته شده بود. آن سوی چشمه، جایگاه آتنا پروتیا قرار دارد که مشهورترین ساختمان آن تولوس (راست) است؛ ساختمان گردی از مرمر به قدمت اوایل قرن چهارم ق م. در فلات بالای این جایگاه شهری قرار داشته است. محل در معرض خطر قرار دارد زیرا در قلب منطقه‌ای زلزله خیز است و تا کنون چندین بار، که آخرین آن ۱۹۸۱ بود، از زلزله لرزیده است. خسارتهای نیز به دلیل شرایط اقلیمی به بار آمده است. مانند ریزش سنگها پس از یخبندان، رواناب و نفوذ آب باران. تعداد توریستهایی که از دلفی دیدار می‌کنند چنان زیاد است که مسئولان برای پیشگیری از فرسایش سنگفرشها، یک خط سیر اجباری در دور معبد‌ها تعیین کرده‌اند. بیش از وارد کردن منطقه حفاظت شده برای کارهای باستان‌شناسی دلفی در فهرست میراث جهانی در ۱۹۸۷، کمیته میراث جهانی بر متوقف ماندن برنامه استقرار یک کارخانه عمل‌آوری آلومینیم در آن نزدیکی اصرار ورزید. مقامات یونانی موافقت کرده‌اند که کارخانه در فاصله ۵۵ کیلومتری دلفی ساخته شود.

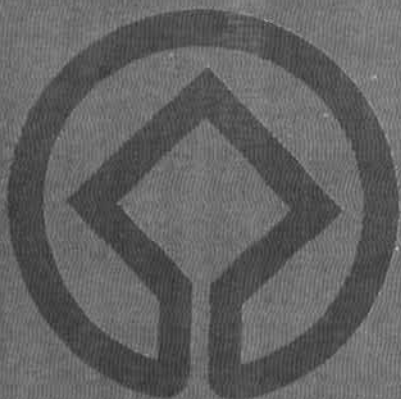


یک مجموعه ده جلدی و یک کتاب راهنمای میراث جهانی

EL PATRIMONIO DEL MUNDO



سازمان انتشارات اسپانیایی اینکافو (کاستلو ۵۹ مادرید)، با همکاری فنی یونسکو یک اثر یادمانی ده جلدی به قطع بزرگ منتشر می‌کند که تمام ذخایر فرهنگی و طبیعی فهرست میراث جهانی را به مخاطب بین‌المللی ارائه می‌کند. این کتابها، که هم اکنون هشت جلد آنها به اسپانیایی (با عنوان *El patrimonio del mundo*) در چاپخانه بلازا و جینز، بارسلون، چاپ شده است دارای عکسهای رنگی و متن‌هایی هستند شامل اطلاعات تاریخی، هنری و فنی در مورد هر یک از گنجینه‌ها، اینکافو و یونسکو همچنین یک راهنمای یک جلدی با عنوان *Guia del patrimonio Mundial* چاپ کرده‌اند (بیش از ۵۰۰ صفحه مصور با عکس رنگی).





بقیه از صفحه ۱۶

▲ شهر قدیمی آویلا (اسپانیا)

آویلا، که کاستیلی‌ها آن را **هسپر سنتها و سنگ** می‌نامند، به وسیله اقوام پلست بنا نهاده شد و بعدها پایگاه مرزی رومیها گردید که به وسیله



ویزیگوت‌ها تسخیر شد. در قرن اول سنت سگونندو، که اولین اسقف آویلا شد، آن را مسیحی کرد. شهر از قرن هشتم تا یازدهم مسلمان بود. در ۱۰۹۰، پس از بیرون راندن مسلمانان از کاستیل، ساختن برج و باروهای بزرگ سنگی دور شهر آغاز شد. این دیوار ۲/۵ کیلومتری، با بیش از ۸۰ دژ نیم دایره و ۹ دروازه عظیم، هنوز وجود دارد (عکس را ببینید). آویلا یادمانهای مذهبی فراوان دارد. از برجسته‌ترین آنها، یک کلیسای جامع گوتیک (اواخر قرن ۱۲ تا ۱۳) است که کنگره‌های بالای محل همسرایان آن که به سبک رومی است یادآور دیگری است از اینکه شهر سنگر و استحکاماتی دفاعی بوده است. از ساختمانهای مذهبی دیگر، کلیسای به سبک رومی اواخر قرن دوازدهم سنت ویسنت که پر از مجسمه است و دیر سنت توماس (اواخر قرن ۱۵) که قسیرهای توماس دو تور کونادا تفتیش‌کننده بزرگ عقاید و دین خون تنها پسر حکمرانان کاتولیک فرديناندو ایزابلا، در آن قرار دارد، را می‌توان نام برد. دیر اینکارنسیون در محل خانده راهبه و صوفی اسپانیایی، سنت ترازای آویلی (۱۵۱۵-۱۵۸۲) ساخته شد. سنت تراز، ساکن آویلا، فرقه کارملیت را اصلاح کرد و بعضی از بزرگترین کارهای کلاسیک روحانی جهان را نوشت. شهر کهن آویلا، با کلیساهای بیرون از حصارش، در ۱۹۸۵ وارد فهرست میراث جهانی شد.

متنوع انسانی به تحول خود ادامه می‌دهد. مکانهایی فرهنگی که ارتباطشان را با گذشته قطع نکرده‌اند نیز موجودند. امروزه آنها مسازک مستر و که، مخروبه و شاید اخیراً ترمیم شده تاریخ یا ماقبل تاریخند. بقایای شهر ممفیس در مصر، دلفی در یونان، الحضر در عراق و شان شان در پسر و همگی مصنوعات برجسته تمدن‌های نابود شده‌اند. مختصات زمانی این مکانها فقط به وسیله فعالیت‌های نوین پژوهش‌های باستانشناسی و صنعت تحرک روزافزون انسانی به نام تورسیم به زمان حال کشانیده شده است. اینبه معظم تاریخی دیگر تسلیم فرآیندهایی تاریخی شده‌اند که به آنها اجازه باقی ماندن تا عصر حاضر به صورت معماری یا محیط شهری زنده‌ای را داده است. چنین ساختمانها یا شهرهایی قرن‌ها مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به این دلیل حتی اگر شده به صورتی تغییر یافته، باقی مانده‌اند.

مرکز شهر رم با ظاهر رومی، بیزانسی، میکل آنژی و ساختمانهای معاصرش، بخش‌های متقاطع نشان دهنده ثروت یک امپراتوری و یک پایتخت با قدمت بیش از ۲۰۰۰ سال را در اختیار می‌گذارد. رم هم مانند شهرهایی چون «انوراد هاپسورا» در سری‌لانکا، اورشلیم، یا «سانتیاگو دوکوم بوستلا» در اسپانیا، شهری زیارتی بود. اینبه تاریخی مذهبی آن اقامتگاه پرستشگرانی از قبایل مختلف بود که همانند محیط زیست ساخته شده شهر به تحول خود ادامه می‌دادند. مراکز شهرهای دیگری که بخشی از میراث جهانی را تشکیل می‌دهند چشم‌انداز تاریخی خود را فقط در آینده توسعه خواهند داد. برایلیا یکی از این مراکز است که شاید از نظر طراحی پیشتر از همه شهرهای دیگر طبق آئین پایتخت‌های قرن بیستم

محل‌هایی دیگر و دوره‌هایی دیگر ارتباط پیدا می‌کرد. فهرست میراث جهانی مکانهایی را که دارای شکوه و عظمت دوره استعماری است در بر می‌گیرد. مکانهایی چون شهر اوگزاکا در مکزیک، کورکو در پرو، سالوادور دوپایا در برزیل و حتی کبک در کانادا همگی دارای ویژگیهای سبک اروپایی هستند. شهرهای دیگری تا سالهای اخیر از نظر توسعه مدرن ندیده گرفته شده‌اند و یا گاهی ساختمان‌های آنها را تحت عنوان سنتی توصیف کرده‌اند با این قصد که بگویند این شهرها محیطی فرهنگی و اجتماعی بدون تغییری داشته‌اند، حتی اگر این امر بیشتر خیالی و تصویری باشد تا واقعیتی تاریخی. بدین‌ترقی شهرهای باستانی محصور شده‌ای چون شیبام در جمهوری دموکراتیک یمن، اصفهان در جمهوری اسلامی ایران، یا قاهره در مصر فقط موزه‌های آثار تاریخی محلی و تمدنی دارای ویژگیهای غیر قابل انکار نیستند بلکه گواهانی نیز بر طرق قدیمی زندگی در آن مکانها هستند که به سرعت در حال نابودی است. چنین ساختمان‌هایی نمی‌تواند از زندگی مردمی که در آنها زندگی می‌کنند مجزا باشد، حتی اگر این زندگی‌ها اجباراً در اواخر قرن بیستم تغییر پیدا کند.

بعضی از آثار تاریخی ممکن است به جهت ارزش نمادین تاریخی‌شان مورد تحسین قرار گیرند. مجسمه آزادی سمبول امیدواری برای هزاران مهاجرت‌کننده به امریکا بود. آثار تاریخی دیگری مانند کوره‌های آدم‌سوزی آشویتز در لهستان یادآور قدرت انسان در تخریب خود هستند. با وجود این بیشتر مکان‌های تاریخی نمی‌توانند بیانگر گوناگونی عظیم تاریخ انسان باشند. آنها متعلق به محیطی متغیر هستند که در آن نیازها و ایدئولوژی‌های

مرکز تاریخی کراکو (لهستان)

شهر قدیمی کراکو بر تپه واول، بر فراز رود ویستولا، قرار دارد. کراکو، بر سر یک راه تجارته بین اروپای غربی و آسیا، از قرن ۱۴ تا قرن ۱۶



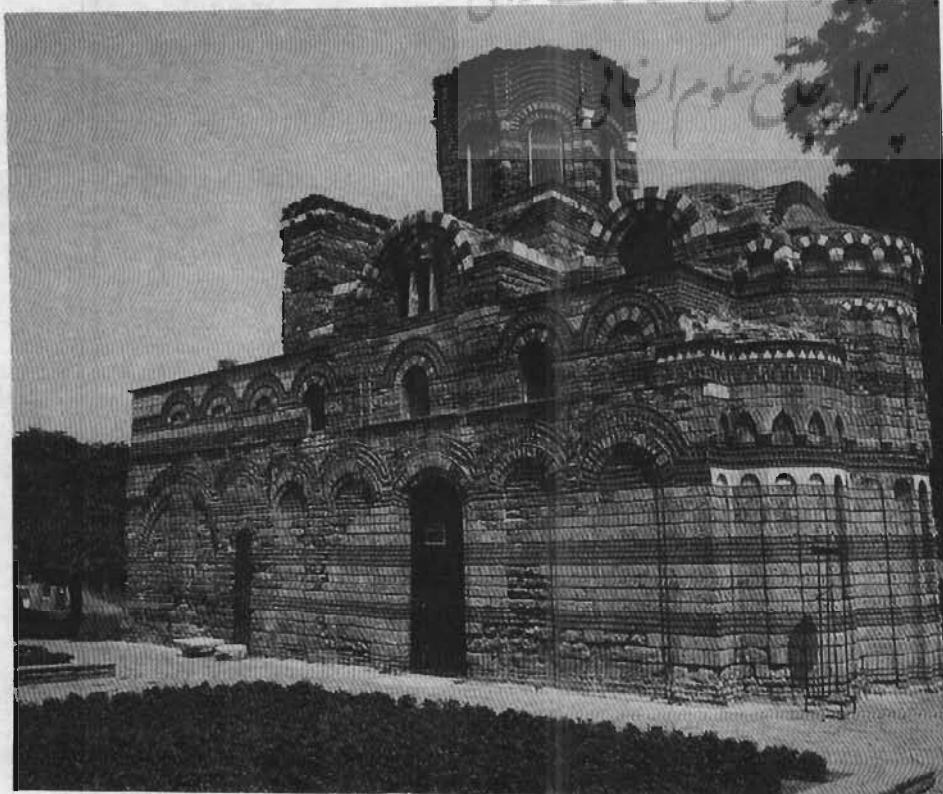
پایتخت پروتق پادشاهی لهستان بود. پادمانهای متعدد تاریخی گواه گذشته پرشکوه و مقام فرهنگی و تجارته آن است. قصر پادشاهی، در اصل گوتیک، در قرن ۱۶ به شکل یک اقامتگاه مجلل رنسانس به سبک ایتالیایی درآمد. در میدان بازار، که بزرگترین میدان قرون وسطایی در اروپاست، دالان با ابهت بزازها (قرن ۱۴ تا ۱۶) قرار دارد. در کلیسای جامع گوتیک (چپ) قبرهای پادشاهان لهستان و در کلیسای مریم پاکره شاهکار مجسمه سازی، یعنی حکاکی چند رنگ روی چوب بالای محراب که در ۱۴۷۷ ویست ستوس آن را ساخت، قرار دارند. دانشگاه یا گیلون، که در ۱۳۶۴ به وسیله کاسمیر کبیر بنا شد، از قرن ۱۴ تا ۱۷ مرکز اصلی زندگی فکری اروپا بود. به منظور مبارزه با نابودی این مکان تاریخی در نتیجه آلودگی ناشی از دود و سیاهکوبی، ارتعاشهای ترفایک، دود ذغال، و شوری آب مقامات لهستانی کار کاهش منابع آلودگی را آغاز کرده اند. گام اول در این زمینه بستن کارخانه آلومینیم نزدیک این محل و استفاده از گاز به جای ذغال برای تولید گرما بوده است. یک برنامه جامع مرمت ساختمانهای قدیمی نیز در حال اجراست. مرکز تاریخی کراکو در ۱۹۷۸ وارد فهرست میراث جهانی شد.

نسیبار (بلغارستان)

تراکیانها، یونانیها، رومیها و امپراطوری روم شرقی، همه بر شهر نسیبار، که روی یک دماغه سنگی دریای سیاه قرار دارد که به وسیله



باریکه ای از خشکی به ساحل پیوسته است، نشانهای گذاشتند. بنا بر افسانه، اولین آبادی در این محل به وسیله مینا ساخته شد. مینا یک تراکیایی بود که اسم اصلی محل، میناریا، از او گرفته شد. در قرن نهم ق م مستعمره یونانی میسیریا در شبه جزیره تأسیس شد. باستان شناسان بقایای آگورای (میدان) یونانی، تئاتر و معبد آپولو را در نزدیکی ساختمانهایی به قدمت قرن اول ق م، یعنی زمانی که محل در اشغال رومیها بود، کشف کرده اند. حدود پایان قرن چهارم میلادی، میسیریا دژ امپراطوری روم شرقی شد. در ۱۴۵۳ به تصرف عثمانیها درآمد. در میان پادمانهای استثنایی برجای مانده از یک تاریخ ۳۰۰۰ ساله در این «موزه زنده»، کلیساهای زیبای بسیار وجود دارد. از جمله، کلیسای قدیمی متروبولیتن که در قرن نهم بازسازی شد؛ کلیسای قرن دهم مریم پاکره؛ کلیسای جدید متروبولیتن که در قرن یازدهم ساخته شد و تا قرن هجدهم پیوسته ترین شد؛ کلیسای یحیی تعمیر دهنده؛ و تعدادی کلیسای قرن ۱۳ و ۱۴. شهر در سال ۱۹۳۴ دوباره نسیبار نامگذاری شد و در ۱۹۸۳ به عنوان یک ذخیره فرهنگی استثنایی که شاهد چند تمدن نابود شده بوده است، وارد فهرست میراث جهانی شد. کار طولانی و ظریفی برای نجات نقاشیهای دیواری قرن شانزدهم، به ویژه نقاشیهای دیواری کلیسای سنت استفان، آغاز شده است. حفظ خانه ها، هم برای نگهداشتن سرمایه ها و چوبکارهای اصیل نمای پیرونی آنها و هم به منظور قرار دادن آنها در دسترس عموم، به ویژه ضروری است. سمت چپ، کلیسای بانو کراتور.



آنگرا دو هروئیزمو (پرتغال)

این بندر جزیره ترمه برادر جزیره‌های آزور بیش از سه قرن حلقه ارتباط اروپا و «دنیای جدید» بود. در قرن پانزده این بندر محل توقف کشتیهای



پرتغالی بود که از جزایر هند شرقی به اروپا بازمی‌گشتند. این بندر در بنای تبه‌هایی قرار گرفته که مانع از ورود بادهای دائمی به آن هستند و انتخاب دریاوردان اولیه اقیانوس اطلس از این لحاظ واقعاً تحسین‌آمیز است. بندر از دو آبگیر طبیعی تشکیل می‌شود، آبگیر جراغ دریا و آبگیر لنگرگاه (آنگرا به زبان پرتغالی)، که شهر نامش را از دومی گرفته است. کمی پس از تأسیس آنگرا، دژهای بزرگ سانتو سباستیانو و سانتو فیلیپ (امروز، سانتو ژوانو باپتیستا) ساخته شد و بندر مجهز به یک سیستم دفاعی نفوذناپذیر شد. در عین حال، بر مبنای نقشه یک شهر اصیل و واقعی، منتها با جرح و تعدیهای لازم جهت جلوگیری از بادهای دائمی، شهری در آنجا بنا شد. بنابراین، آنگرا دو هروئیزمو نمونه منحصر به فردی از تطبیق یک مدل شهری با شرایط اقلیمی است. پس از اینکه در ۱۵۳۴ آنگرا مقر اسقف اعظم جزیره‌های آزور شد، چند پادمان باروک در این شهر ساخته شد. این پادمانها عبارت‌اند از کلیسای جامع سان تیسیمو سالوادور، کلیساهای میزر پکور دیاو و سانتو اسپریتو، و دیرهای فرانسیسکان‌ها و ژوزوئیت‌ها. در ۱۹۸۰، زلزله‌ای شهر را تکان داد و صدمه‌های شدیدی به بسیاری از ساختمانهای قدیمی زد. در ۱۹۸۳ مرکز تاریخی شهر وارد فهرست میراث جهانی شد. از آن هنگام، یونسکو چندین هیئت متخصص اعزام کرده است تا به مقامات شهر در تهیه برنامه‌ای برای حفظ این ناحیه، به عنوان بخشی از یک برنامه سراسری توسعه شهری، یاری دهد. مسرت پادمانها و خانه‌هایی که از زلزله صدمه دیده‌اند، با حفظ سنتهای معماری ترمه سرا و هماهنگی و اصالت شهر، در این برنامه درجه اول اهمیت را دارد. ست راست، نمای بیرونی یک ساختمان و در زیر منظره شهر را می‌بینید.

بقیه از صفحه ۲۴

طراحی شده است.

نهایتاً، مکانهای فرهنگی ثبت شده در فهرست میراث جهانی حلقه‌های ارتباط دهنده دوران گذشته با آینده است. از آنجائیکه آنها محمل‌های مادی زمان هستند، برای بشرارزشی فوق‌العاده دارند. مراحل سیر تاریخ حتی اگر به سرنوشت کار هر دولت وابستگی داشته باشد، به آنها محدود نمی‌شود. این جریان تاریخ را باید بیشتر از آنکه میراثی ملی شمرد میراثی جهانی دانست اگر چه بنا به تعریف زمان حال فقط لحظه‌ای زودگذر است. ولی تنها زمانی است که بشر می‌تواند کنترل کردن آنرا آزمایش کند. بنابراین شناختن و ارزش قابل شدن برای مکانهایی که در فهرست میراث جهانی قرار گرفته‌اند به عنوان اثری مادی از هویت تاریخی بشر ضروری است. ■

جورج میشل باستانشناس استرالیایی و متخصص معماری معابد هندی است. کتابهای متعددی تألیف یا ویرایش کرده است. از جمله میراث اسلامی بنگال (ویرایش)، یونسکو، ۱۹۸۴؛ معماری جهان اسلام و راهنمای پادمانهای هند. او در حال حاضر یکی از مدیران پروژه مستند و مفصلی در وی - جاناگار در هند جنوبی است.

